

امام خامنه ای؛ خاطرات جنگ ، گنجینه تمام نشدنی است

«راز تانک های سوخته»

راوی: حاج عبدالله مظاهری، رزمنده و جانباز دوران دفاع مقدس

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، محل وقوع: منطقه عملیاتی شلمچه – کانال پرورش ماهی، شرق بصره
تاریخ وقوع: هیجدهم فروردین ۱۳۶۶

نام عملیات: کربلای هشت

هر چند در عملیات کربلای هشت به برخی از اهداف از پیش تعیین شده نرسیدیم اما نبرد مقدسی که رزمندگان آر پی جی زن در این عملیات سترگ از خودشان بروز دادند اوج معنویت و اخلاص قلبی آنان را برای همیشه ی تاریخ ثبت کرده است.

«وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَا كُنَّ اللَّهُ رَمَىٰ...» ای یاران پیامبر این شما نیستید که به سمت دشمن تیر می اندازید بلکه این خداست که تیر می اندازد!”

...فرمانده ما نجفعلی مفید ، اهل شهر لار بود او با چهره نورانی اش در دل شب و در پشت خاریز و در حالی که صدای شنی تانکهای دشمن بگوش می رسید با آر پی جی زن ها حرف میزد، او با آرامش خاصی رو به ما کرد و گفت : قلبتان را خدایی کنید، تانکها دارند می آیند! ، از خدا مدد بطلبید و

برای رضای خدا موشک های آرپی جی هفت را به سمت تانکها شلی کنید و موقع شلیک برعکس معمول چشم ها را ببندید!!

یا الله یا الله یا الله…

چشم سر را بستیم و چشم دل را باز کردیم!! و با قرائت آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ» موشک های آر پی جی را به سمت تانک های دشمن شلیک کردیم! ساعت حوالی پنج صبح دیدن شعله های آتش و دودی که از تانک های سوخته دشمن به چشم می خورد و فرار تانک ها حلاوت و شیرینی خاصی را به همه داده بود... صدای تبیر رزمندگان خط آتش را زیبا و حماسی کرده بود. ...لحظاتی بعد فرمانده ما نجفعلی آسمانی شد و من در حالی که بر اثر اصابت ترکش خمپاره زخمی شده بودم ، در آستانه طلوع خورشید با لباس خونی و نجس، بدون وضو و بدون اینکه بدانم قبله کدام سمت است بهترین و والاترین و ارزشمندترین نماز طول عمرم را خواندم!!!

جادودانه باد یاد همه رزمندگانی که از جان و مال و فرزند و همه چیز خود گذشتند تا اسلام و قرآن زنده بماند و یک وجب خاک مقدس کشورمان به دست دشمن نیفتد.